

بررسی تطبیقی سیاست گذاری فرهنگی در کشورهای اسلامی (مورد مطالعه: ترکیه و مصر)

چکیده

سیاست گذاری فرهنگی را می توان از رسالت های خطیر حاکمیتی دانست که امروزه به عنوان یک حوزه دانشی نیز مطرح شده و در مجامع علمی و پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این باید گفت این حوزه علمی و مدیریتی، به نسبت حوزه دانشی مدیریت راهبردی و حتی حوزه سیاست گذاری عمومی، جوان تر و به همان نسبت نیز نحیف تر است. یکی از اقدامات برای ترمیم این خلأ حیاتی در جمهوری اسلامی ایران، بررسی تجارب سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی در حوزه سیاست گذاری فرهنگی است. به این منظور، پس از مطالعات نظری که در قالب چهارچوب مفهومی تحقیق ارائه شده است، اسناد و داده های مرتبط با سیاست گذاری فرهنگی در دو کشور اسلامی ترکیه و مصر مورد مطالعه قرار گرفته است. این داده ها براساس هشت مؤلفه شامل رویکرد به فرهنگ، عرصه های فرهنگی، نهادهای حاکمیتی، نقش ها و نهادهای غیرحاکمیتی، ارتباطات فرهنگی فراملی، اهداف فرهنگی، اصول سیاست گذاری و ابزارهای سیاستی بررسی و طبقه بندی شده است.

■ واژگان کلیدی

الگوی سیاست گذاری فرهنگی، ترکیه، مصر، کشورهای اسلامی، بررسی تطبیقی.

حجت الله ایوبی

دانشیار دانشگاه تهران
hayoubi110@gmail.com

محمد رضا بهمنی خدنگ (نویسنده مسئول)

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی دانشگاه
باقر العلوم (علیه السلام)

m_rbahmani@yahoo.com

مهدی مولائی آرانی

دکترای سیاست گذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)
movlaeiarani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

اگرچه اعمال سیاست در عرصه فرهنگی کشورها، اندکی متأخر از سایر حوزه‌های اجتماعی مورد توجه دولت‌ها و نظام‌های حاکمیتی قرار گرفته است؛ اما امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که ضرورت و اهمیت آن را کم یا انکار کند. البته در این میان، رویکردهای متنوع و متفاوتی مبنی بر چگونگی حضور و نقش‌آفرینی حاکمیت در عرصه فرهنگ وجود دارد.

در گفتمان سیاست‌گذاری بحث از اعمال حاکمیت است؛ اما به تناسب نوع رویکرد کشورهای مختلف به چیستی، ابعاد و سطوح فرهنگ، نوع ورود و اعمال حاکمیت‌شان در حوزه فرهنگ نیز متفاوت است. به عبارت دیگر، الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در کشورهای مختلف متفاوت است. مدیران و کارشناسان نهادی و ملی در کشور ما نیز به‌رغم دغدغه‌های فرهنگی فراوان، در مقام سیاست‌گذاری فرهنگی، اغلب با چالش‌های نظری و روشی جدی مواجه بوده و هستند. بنابراین در این گونه موارد یا به رفتارها و تصمیم‌های سلیقه‌ای بسنده شده و یا از مبانی و روش‌های سایر حوزه‌های مدیریتی بهره‌گیری شده است که در هر دو صورت، پیامدهای ناگواری برای عرصه حساس و مهم فرهنگ کشور به دنبال داشته است.

برای ترمیم این خلأ حیاتی در جمهوری اسلامی ایران، اگرچه علاوه بر ملاحظات دانشی باید ملاحظات ارزشی را نیز جدی انگاشت، اما نباید از کنار تجربه سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی بی‌توجه عبور کرد. بر این اساس، این مقاله، به‌عنوان گامی در راستای تحقق هدف ارائه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، درآمدی است بر بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری فرهنگی در دو کشور اسلامی ترکیه و مصر.^۱ به عبارت دیگر، مسئله اصلی این تحقیق این است که وجوه تمایز و تشابه الگوی سیاست‌گذاری کشورهای مورد مطالعه با یکدیگر چه بوده و چگونه می‌توان از آنها در بازطراحی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.

۱. لازم به ذکر است که این مقاله بخشی از پروژه پژوهشی با عنوان «درآمدی بر بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری فرهنگی در کشورهای جهان» است که با حمایت مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) انجام شده است.

۲. روش تحقیق

در این تحقیق در مرحله گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و در مرحله تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها از منطق مفهوم‌سازی بنیادی^۱ استفاده شده است. البته این تحقیق در دو بخش انجام شده است. در بخش اول ضمن بررسی مطالعات انجام‌شده در حوزه حاکمیت و فرهنگ (با روش کتابخانه‌ای)، مناظر و مؤلفه‌های اعمال حاکمیت در عرصه فرهنگ با استفاده از منطق گراند تئوری طراحی شده است. در بخش دوم نیز ابتدا داده‌ها و اطلاعات مربوط به دو کشور مصر و ترکیه به صورت کتابخانه‌ای مطالعه بوده و در گام دوم براساس چهارچوب مفهومی طراحی و با منطق گراند تئوری طبقه‌بندی شده است.

۳. چهارچوب مفهومی (مؤلفه‌های مقایسه سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها)

یکی از اشکالات و ضعف‌های جدی در این نوع تحقیقات، نداشتن چهارچوب مفهومی روشن و علمی در فرایند بررسی است. ویژگی اصلی این تحقیق آن است که قبل از بررسی کشورهای مورد مطالعه، ادبیات نظری حوزه فرهنگ و سیاست‌گذاری مطالعه و بعد از تجزیه و تحلیل این مفاهیم، یک چهارچوب مفهومی به عنوان راهنمای حرکت و انسجام‌بخش متن تحقیق ارائه شده است.

۳-۱. فرهنگ و سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری به مفهوم اعمال تدابیر و مداخلات حاکمیت در هر حوزه‌ای از حوزه‌های اجتماعی مستلزم شناخت درست از چیستی آن حوزه است. بنابراین سیاست‌گذاری فرهنگی یا تدابیر و مداخلاتی که حاکمیت در مواجهه با یک مسئله فرهنگی اعمال می‌کند نیز در گرو ارائه تعریف از فرهنگ است (ارسطا، ۱۳۹۰).

شناخت چیستی فرهنگ با تکرر تعریف آن مواجه شده است. این تعاریف را می‌توان در یک طیف حداقلی تا حداکثری طبقه‌بندی کرد. در یک سو، فرهنگ را توسعه هنر، فعالیت تفننی در مقولات زیبایی‌شناختی و محصولات و خدماتی که اوقات فراغت را پر کند می‌دانند؛ از این رو معتقدان به چنین دیدگاهی در عرصه سیاست‌گذاری عمومی در حیطه تولید، اقلیت‌گرا و در حیطه مصرف اکثریت‌گرا (توده‌ای) عمل می‌کنند اما در سوی دیگر دامنه تعریف، فرهنگ «روشی است

که افراد در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، ارتباط برقرار می‌سازند و همکاری می‌کنند و همچنین نحوه توجیه چنین مناسبات متقابلی با استفاده از نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارها است» (گزارش جهانی فرهنگ، ۱۹۹۸: ۴۸۱).

ما در اینجا بدون آنکه تعریف مختار ارائه کنیم، بیشتر درصدد هستیم به اهمیت نقش تعریف فرهنگ در سیاست‌گذاری فرهنگی اشاره کنیم. به عبارت دیگر، در مقایسه نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها، اینکه کشورها چه نگاهی به فرهنگ و تعریف آن دارند، خود از معیارهای مقایسه است. اما سؤال این است که تعریف فرهنگ چه تأثیری در سیاست‌گذاری فرهنگی خواهد داشت. تعیین نوع رویکرد به فرهنگ و تعریف آن حداقل در دو محور ذیل بر سیاست‌گذاری فرهنگی مؤثر است (اشتریان، ۱۳۹۱):

۱. تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها و حیطة عمل حاکمیت را مشخص می‌کند.
۲. شناسایی و تعیین متغیرها و شاخص‌ها (به‌عنوان عامل تمرکز برنامه‌ریزی‌ها) را به‌صورتی شفاف و حتی‌الامکان عینی، ممکن می‌سازد.

بنابراین به تبع رویکرد کشورها به فرهنگ، عرصه‌های مورد توجه آنها در سیاست‌گذاری فرهنگی نیز مشخص می‌شود. برخی صاحب نظران، نحوه مداخله کشورها در حوزه فرهنگ را در دو گروه سیاست‌های فرهنگی افقی و عمودی طبقه‌بندی کرده‌اند. در سیاست‌های فرهنگی عمودی، بخش‌های خاصی از فرهنگ مورد توجه و عنایت بیشتری قرار می‌گیرند تا توسعه یابند و بعضی حوزه‌های دیگر محدود شده و در برابر آنها ممانعت‌های ویژه‌ای ایجاد می‌گردد. به طوری که رویکرد تجویزی و مداخله‌گرانه به خوبی در آنها مشاهده می‌شود. اما در سیاست‌های فرهنگی افقی، تمامی عرصه‌های مورد توجه قرار می‌گیرند و همگان حق رشد و توسعه دارند. این رویکرد مبتنی بر تنوع‌گرایی و بسط خلاقیت‌های فرهنگی به نحو عمومیت یافته است (صباغ‌پور، ۱۳۸۵).

۳-۲. نسبت حاکمیت و فرهنگ

در خصوص امکان و ضرورت ورود حاکمیت در امر فرهنگ، اختلاف دیدگاه وجود دارد از این‌رو، امکان و ضرورت سیاست‌گذاری فرهنگی مفروض و مورد پذیرش واقع شده است، بنابراین باید بحث را به سمت گستره و چگونگی اعمال حاکمیت در امر فرهنگ پیش برد.

مراد این نوشتار از اعمال حاکمیت در عرصه فرهنگ، تعیین و تعریف گستره و نحوه همکاری قدرت سیاسی حاکم و قدرت اجتماعی بخش غیرحاکمیتی در بهبود و اعتلای فرهنگ جامعه است.

۳-۳. مؤلفه‌های کلیدی در نظریه حاکمیت

نظریه حاکمیت می‌کوشد به سه پرسش اساسی مرتبط با هم پاسخ گوید (ویلیامز، ۱۳۷۹).

گفتمان حاکمیت بر پاسخ‌هایی متمرکز است که به این سه پرسش پاسخ داده می‌شود:

۱. حاکمیت در کجا مستقر است؟ گستره ساختاری و ارکان حاکمیت نیز ذیل همین سؤال مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. چه رابطه‌ای بین حاکمیت دولت و کل جامعه سیاسی وجود دارد؟ به تبع در پاسخ به این سؤال هم پیرامون نظام ارتباطی میان بخش حاکمیت و بخش غیرحاکمیت جامعه سخن گفته می‌شود.

۳. چه محدودیت‌های هنجاری یا عملی برای اعمال حاکمیت وجود دارد؟

۳-۴. جهانی شدن و تأثیر آن در مفهوم حاکمیت

در نگاه نخست، حاکمیت، مفهومی سرزمینی دارد اما جهانی شدن از اولویت سرزمین بودن حاکمیت و اهمیت تمایز امور داخلی و خارجی می‌کاهد. فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌طور روزافزونی دامنه‌ای جهانی می‌یابد و جدا کردن قطعی امور محلی از امور بین‌المللی دیگر ممکن نیست (ویلیامز، ۱۳۷۹).

در میان همه مشخصات جهانی شدن، دو وجه آن بسیار متمایز است: یکی بحث یکسان‌سازی فرهنگی و دیگری یکسان شدن انتظارات و توقعات مردم به‌دلیل گردش سریع اطلاعات در سراسر جهان. اگرچه حرکت جهانی شدن با همه ابعاد وسیعی که دارد هنوز نتوانسته است حاکمیت‌های ملی را کنار بزند؛ اما قطعاً مفهوم سنتی آن (به معنای اینکه دولت قدرت برتر در یک جامعه است) را نیز دچار تغییر کرده است.

۳-۵. جمع بندی: مناظر و مؤلفه‌های اعمال حاکمیت در عرصه فرهنگ

مطلب اول: سیاست‌گذاری فرهنگی را باید رهگذر اعمال حاکمیت در عرصه فرهنگ دانست. روشن است که این بیان، به معنای این نیست که فرهنگ در یک کشور همان است که حاکمیت خواسته باشد بلکه مراد این است که اولاً وقتی سخن از سیاست‌گذاری به میان می‌آید، خود به

خود نحوه اعمال نقش حاکمیتی مطرح می‌شود. ثانیاً از همین رهگذر، عرصه عدم حضور مستقیم یا غیرمستقیم حاکمیت در بخش فرهنگ نیز روشن خواهد شد و این به معنای اعتبار بخشیدن و پذیرفتن به نقش بخش‌های غیر حاکمیتی در عرصه فرهنگ است. چه اینکه همان‌طور که بیان شد، در مفهوم اعمال حاکمیت، دو قدرت مسلم دیگر نیز نهفته است: ۱. قدرت مردم و ۲. قدرت مؤلفه‌های جهانی.

بنابراین در مجموع، سیاست‌گذاری فرهنگی یا اعمال نقش حاکمیت در عرصه فرهنگ باید در میان اضلاع یک مثلث تعریف شود:



شکل ۱. عوامل مؤثر بر نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها

مطلب دوم: با توجه به پایگاه مقوله سیاست‌گذاری عمومی و به‌طور خاص سیاست‌گذاری فرهنگی (یعنی حاکمیت، به‌عنوان متولی امور عمومی جامعه)، از سه گروه عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری فرهنگی، مؤلفه‌های مفهومی حاکمیت را محور قرار داده و سایر عوامل را در آن جانمایی خواهیم کرد تا از این مسیر، به مؤلفه‌های بررسی تطبیقی نظام‌های سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها (یعنی چهارچوب مفهومی بررسی تطبیقی) دست یابیم. با این توصیف، چهارچوب مفهومی مورد نظر این تحقیق، به‌صورت ذیل ترسیم و ارائه می‌شود:

جدول (۱): مناظر و مؤلفه‌های بررسی تطبیقی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها (چهارچوب مفهومی تحقیق)

مناظر	مؤلفه‌ها	توصیف
گستره و ارکان حاکمیت در عرصه فرهنگ	رویکرد به فرهنگ	در اسناد بالادستی کشورها چه تعریف و رویکردی از فرهنگ مدنظر بوده است؟
	عرصه‌های فرهنگی	براساس اسناد رسمی کشورها، کدام یک از حوزه‌ها و موضوعات اجتماعی در بخش فرهنگ طبقه‌بندی شده است؟
	نهادهای حاکمیتی	کشورهای مورد مطالعه برای سیاست‌گذاری و مدیریت امور فرهنگی چه نهادهایی را تأسیس و فعال کرده‌اند؟
نسبت حاکمیت با بخش‌های غیر حاکمیتی	نقش‌ها و نهادهای غیر حاکمیتی	در نظام سیاست‌گذاری کشورها، چه نقشی به نهادهای غیرحاکمیتی داده شده است و این نهادها کدامند؟
	ارتباطات فرهنگی فراملی	باتوجه به جریان جهانی‌شدن، موضع کشورها در قبال تحولات و ارتباطات فرهنگی فراملی چه بوده است و چه تدابیری برای این منظور داشته‌اند؟
اصول و قواعد اعمال حاکمیت	اهداف فرهنگی	براساس اسناد بالادستی کشورها، چشم‌انداز کلان و اهداف کلی حرکت فرهنگی آنها چیست و چه تأثیری در سیاست‌های فرهنگی آنها داشته است؟
	اصول سیاست‌گذاری	اصول راهنما در پاسخ‌گویی به مسائل فرهنگی در کشورهای مورد بررسی چیست؟
	ابزارهای سیاستی	کشورهای مورد بررسی از ابزارهای سیاستی (ساختاری، تقنینی و مالی) چگونه در اجرا و نظارت فرهنگی استفاده می‌کنند؟

۱۳

۴. توصیف داده‌های شناسایی شده

نتایج این تحقیق می‌تواند در طرحی ناظر به نظام سیاست‌گذاری فرهنگی ایران مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین در این مقاله، دو کشور اسلامی ترکیه و مصر که دارای تاریخ و تمدن و همچنین سیاست‌های فرهنگی مشخص برای ایفای نقش مؤثر در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل هستند انتخاب شده‌اند.

۵. توصیف مؤلفه‌های نظام سیاست‌گذاری کشور ترکیه

۵-۱. رویکرد به فرهنگ در نظام سیاست‌گذاری ترکیه

مفاهیم کلیدی رویکرد ترکیه به امر فرهنگ، عبارتند از:

الف) اندیشه تمدنی: ترک‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی خود ساخت یک تمدن اسلامی را پیگیری می‌کنند که به‌مثابه الگویی برای سایر کشورهای اسلامی باشد و بر این باورند که فرهنگ؛ اساس تمدن است.^۱ فرهنگ متشکل از ایمانِ معین، جهان‌بینی، مفهوم زندگی و توانمندی‌های زبانی و تاریخی است. از این‌رو خط مقدم ساخت تمدن اسلامی - ترکی، تقویت و ترویج فرهنگ است. این رویکرد تمدنی و نگاه جهانی به مقوله فرهنگ، جهت‌گیری‌های سیاست فرهنگی این کشور را روشن می‌کند.

شایان ذکر است که دیدگاه‌های متنوع و مختلفی درباره جریان‌های فکری در ترکیه مطرح شده است. برخی معتقدند که عثمانی‌گرایی، پان‌ترکیسم و لائیسیته سه گفتمان مسلط یک صد سال اخیر در ترکیه هستند (تقی پور، ۱۳۹۳). عده‌ای دیگر بر این باورند که گفتمان‌های فکری ظهور یافته در ترکیه معاصر را می‌توان در سه طیف اصلی طبقه‌بندی کرد: پان‌ترکیسم (غرب‌گرا)، مارکسیستی (شرق‌گرا) و اسلام‌گرا، که خود به دو طیف اسلام‌گرای سیاسی و اسلام‌گرای اجتماعی تقسیم می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۲).

ب) دین سکولار: تعریفی که ترک‌ها در چند دهه اخیر از دین ارائه می‌دهند مشابه رویکرد سکولارها به دین است. یعنی دین را مقوله‌ای فردی در نظر می‌گیرند نه امری عمومی. بنابراین با اسلام‌گرایی سیاسی و حزب‌سیاسی شدن، به این معنا که مجری شریعت در جامعه باشد، مخالفت می‌کنند. از این‌رو به اسلام‌گرایی سیاسی اربکان، حکومت‌هایی مانند ایران و عربستان انتقاد دارند. به بیان دیگر در بحث دین و فرد، ایجاد تعادل راه‌حل مناسب است. افراد باید در نوع دین و انجام مناسک و یا عدم آن آزاد باشند. در مورد اسلام نیز بر این باورند که بخش اعظم احکام اسلامی در باب زندگی شخصی افراد و انسان‌هاست. در این رویکرد کارویژه دولت در مورد

۱. براساس تعریف وبستر، تعریف جمع‌گرایانه از فرهنگ، عبارت است از: عقاید، عادات (رسوم)، مهارت‌ها و هنرهای گروهی مشخص در دوره‌ای مشخص یعنی تمدن. به عبارت دیگر، وقتی روابط میان افراد از الگوی خاصی پیروی می‌کند، این روابط الگودار مبنای شکل‌گیری یک فرهنگ می‌شوند. (Julien Bauer ، 2000)

دین از حالت سیاسی خارج شده و بیشتر ماهیت فرهنگی به خود می‌گیرد. زیرا کشورداری را بیشتر مقوله‌ای عرفی می‌دانند تا دینی. از سویی دیگر دین در ترکیه به لحاظ پیروان نیز دارای پراکندگی است: مسلمانان به دو دسته کلی اهل سنت و علویان تقسیم می‌شوند، اهل سنت به حنفی‌ها، شافعی‌ها و سایر مذاهب، علوی‌ها نیز به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. در کنار مسلمانان پیروان سایر ادیان نیز وجود دارند. بنابراین رویکرد تساهل و تسامح بین مذاهب در این کشور دور از انتظار نیست.

ج) جامعه بر محور فرد: از آنجا که دین در ترکیه بیشتر امری فردی محسوب می‌شود از این رو برای ساخت جامعه‌ای اسلامی باید افراد به‌گونه‌ای اسلامی تربیت شوند تا جامعه اسلامی شکل بگیرد و اساساً مهمترین رکن تمدن اسلامی افراد هستند، نه حکومت اسلامی.

د) اقبال به جریان جهانی شدن: در نظام سیاست‌گذاری فعلی ترکیه رویکرد مثبت به جهانی شدن وجود دارد. در این رویکرد جهانی شدن به این معناست که افراد بتوانند افکار و ایمانشان را حفظ کنند و در پناه صلح به تعامل با سایر فرهنگ‌ها بپردازند. به بیان دیگر جهانی شدن به معنای یکسان کردن ایمان، تفکر، سنت‌ها، آداب، رسوم و مفاهیم ملت‌ها نیست؛ بلکه ملت‌ها باید برای حفظ موازنه و جایگاه خود در موازنه ملت‌ها و کشورها چه در حال حاضر و چه در آینده توانایی خود را بیابند. از این منظر، توجه به فرهنگ در جریان جهانی شدن اهمیت پیدا می‌کند زیرا مانع از بین رفتن ملت‌ها می‌شود.

ه) بهره‌برداری از مدرنیته غربی: ترک‌های معاصر به پیروی از اندیشمندان خود مانند «سعید نورسی» و «فتح‌الله گولن» بر ارتباط میان اسلام با عقل، علم و مدرنیته تأکید دارند و اندیشه مطلوب برخورد شرق و غرب را رد می‌کنند و معتقد به استفاده از عقل در مسائل مربوط به اعتقادات اسلامی هستند. در این رویکرد، غرب با شرق و اسلام ضدیتی ندارد؛ بلکه باید از مزایای غرب استفاده و از معایب آن اجتناب کرد. این رویکرد در بعد فرهنگی هم تسری یافته است و به معنای نفی سایر عناصر هویتی مانند اسلام و یا ناسیونالیسم ترکی نیست. از منظر این اندیشه، باید مدرنیته را به‌عنوان یک متغیر در کنار سایر متغیرها دید.

۲-۵. عرصه‌های فرهنگی در نظام سیاست‌گذاری ترکیه

رویکرد کثرت‌گرایانه در حوزه فرهنگ، سبب شده است عرصه‌ها و موضوعات فرهنگی در ترکیه را بتوان در بخش‌های سنتی، مدرن، بومی و جهانی تقسیم‌بندی کرد. به‌گونه‌ای که موضوعات فرهنگی مورد توجه در سیاست‌گذاری فرهنگی در این کشور، عرصه‌های آداب و رسوم و سبک زندگی، هنر، ادبیات، رقص، موسیقی، فیلم، آثار باستانی و میراث تاریخی را در برمی‌گیرد. همچنین، امور دینی در ترکیه از بخش‌ها و عرصه‌های مهم و قابل توجه محسوب می‌شود.

۳-۵. نهادهای فرهنگی حاکمیتی در ترکیه

حاکمیت به‌عنوان مفهومی عرفی در ترکیه در جریان است و بنابراین حکومت اسلامی به‌معنای خاص کلمه مطرح نیست و مأمور به اجرای سیاست (شریعت) اسلامی هم نیست. امروزه حاکمیت در ترکیه در راستای هویت فرهنگی ترک‌ها در حرکت است و این هویت است که به‌شدت حاکمیت و فرهنگ را در ترکیه به هم پیوند می‌زند. به بیان دیگر، فرهنگ به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم در ترکیه به‌شدت مورد توجه واقع شده و در سیاست‌گذاری فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. اعمال این نقش حاکمیتی در ترکیه، با مداخله و نقش‌آفرینی پارلمان ترکیه، چند دستگاه دولتی و عمومی و نیز مراکز دولتی محلی صورت می‌پذیرد.^۱ مهم‌ترین دستگاه‌های دولتی نقش‌آفرین در حوزه فرهنگ ترکیه عبارتند از:

۱-۳-۵. وزارت فرهنگ و گردشگری^۲

وزارت فرهنگ در ترکیه از سال ۱۹۷۱ فعال شده و امور فرهنگ، هنر و گردشگری این کشور را مدیریت می‌کند. محور فعالیت‌های این وزارتخانه معرفی فرهنگ و تمدن ترک و جذب توریست در داخل و خارج کشور است که در این ارتباط به فعالیت‌هایی همچون برگزاری هفته فیلم در کشورهای مختلف، برپایی نمایشگاه‌ها، سمینارهای علمی و تحقیقی و هنری، چاپ و نشر بروشورها و کتاب‌هایی در زمینه معرفی کشور ترکیه به میزانی قابل ملاحظه می‌توان اشاره کرد. وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به توسعه گردشگری داشته است.

۱. گزارش آموزش و فرهنگ اروپا، جمهوری ترکیه، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۵.

2. Ministry of Culture and Tourism

۲-۳-۵. وزارت آموزش ملی:

این وزارتخانه وارث سازمان‌هایی است که در دوره امپراطوری عثمانی جهت تنظیم برنامه‌های آموزشی فعالیت می‌کردند. این وزارتخانه موظف است احتیاجات آموزشی کشور مانند کتاب را تامین نماید و با کشورهای خارجی روابط آموزشی-فرهنگی برقرار کند (دلبری‌پور، ۱۳۹۰).

۳-۳-۵. سازمان آموزش عالی:

این سازمان همانند شورای امنیت ملی (ویژه آموزش عالی) فعالیت می‌کند. سازمان آموزش عالی موظف است کادر مدیریت دانشگاه‌ها را تعیین کند، تحقیقات دانشگاهی را کنترل کند و... (همان).

۴-۳-۵. ریاست امور مذهبی (دیانت)^۱

در امپراتوری عثمانی، شیخ‌الاسلام و یا دفتر شیخ‌الاسلام، مسئول اداره امور مذهبی بود. این دفتر در سال ۱۹۲۰ به یک وزارتخانه با عنوان «وزارت اوقاف» تبدیل شد. اما این سازمان در سال ۱۹۲۴ بر مبنای جدایی دین از سیاست منحل شده و یک نهاد با عنوان «ریاست امور مذهبی» وابسته به دفتر نخست‌وزیر تشکیل شد. قانون تشکیلات این نهاد در سال ۱۹۲۷ تصویب شده و تاکنون چندبار و از جمله در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۸۲، تغییراتی در آن به‌وجود آمده است. مأموریت این نهاد، سازماندهی و ارائه خدمات دینی به مسلمانان در ترکیه است. مدیریت امور مربوط به اعتقادات دینی، اخلاق و تبلیغات دینی برای مردم ترکیه در داخل و خارج کشور و نیز مدیریت اماکن مذهبی از جمله اهداف این سازمان است.

۵-۳-۵. مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک^۲

این مؤسسه در سال ۱۹۸۳ در آنکارا تأسیس شده است و در واقع از بهم پیوستن مرکز فرهنگی آتاتورک، مؤسسه زبان ترک، مؤسسه تاریخ ترک و مرکز تحقیقات آتاتورک به‌وجود آمد که در زمان آتاتورک تأسیس شده بودند. این مؤسسه به‌عنوان یک مؤسسه رسمی دولتی هر ساله کنفرانس‌ها و همایش‌هایی را به‌منظور حفاظت از فرهنگ ترکیه برگزار می‌کند.

1. The Presidency of Religious Affairs (Turkish: Diyanet İşleri Başkanlığı)

2. Atatürk Higher Institute of Culture, Language and History

۶-۳-۵. وزارت توسعه^۱

وزارت توسعه در سال ۲۰۱۱ جایگزین سازمان طرح و برنامه دولت^۲ شد. این وزارتخانه طراحی برنامه و راهنمایی فرایند توسعه ترکیه را در سطح کلان انجام داده و بر انسجام سیاستها و استراتژیهای توسعه کشور تمرکز دارد. در واقع این وزارتخانه رهبری توسعه در کشور ترکیه را برعهده دارد و به تبع در حوزه فرهنگ نیز مداخله داشته و نقش آفرین است.

۴-۵. نقشها و نهادهای فرهنگی غیرحاکمیتی در ترکیه

نهادهای و مؤسسات فرهنگی غیرحاکمیتی ترکیه را می توان شامل دو گونه مؤسسات بررسی کرد. نوع اول مؤسساتی هستند که با هدایت و نظارت دولت و با مجوز و نظارت آن و در قالب ساختارهای غیردولتی فعالیت می کنند و دیگری، مؤسسات فرهنگی که به وسیله متنفذین ترک ولی خارج از اراده مستقیم دولت شکل گرفته و با انگیزه های ملی و دینی به فعالیت فرهنگی در داخل و خارج ترکیه اشتغال دارند. برخی از نهادها و دستگاه های غیردولتی ترکیه عبارتند از:

۱-۴-۵. مؤسسه گولن

اگرچه مؤسسه گولن یک مجموعه غیروابسته به دولت ترکیه است؛ اما نمی توان آن را یک نهاد غیردولتی درون حاکمیت دانست. مؤسسه گولن، یک شبکه فرهنگی گسترده است که به وسیله یک فعال فرهنگی و دینی ترک، فتح الله گولن، اداره می شود و نه کشور ترکیه. با این وجود مؤسسه گولن با دارا بودن صدها مرکز آموزشی و فرهنگی در قالب مدارس، دانشگاهها، مراکز پژوهشی، خوابگاه و ... در کشورهای جهان که با انگیزه گسترش فرهنگ ترک و آموزه های اسلامی فعالیت می کند، یک پدیده فرهنگی غیرحاکمیتی است که قابل مطالعه است. بسیاری معتقدند که جریان گولن، درحالی که به تحقق سیاست های فرهنگی ترکیه کمک فراوانی داشته و دارد؛ ولی در عین حال بر نظام سیاست گذاری و حاکمان ترکیه نیز اثرگذار است.

پس از سالها فعالیت آموزشی و تبلیغی و اقتصادی، فتح الله گولن به یکی از جریان های فکی قوی ترکیه تبدیل شده است، به طوری که به اعتقاد کارشناسان، او طرفداران فراوانی در ساختار

1.) MINISTRY OF development

2 . the state planning organization

حاکمیتی ترکیه دارد. (امینی‌منش، ۱۳۹۴) و موضع دولت ترکیه در جریان کودتای سال ۲۰۱۶ نسبت به گولن، خود‌گویای این واقعیت است.

۲-۴-۵. بنیاد فرهنگ ترکیه^۱

این سازمان در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد و نهادی آموزشی - علمی است که درصدد است با اتکا به پژوهش، چاپ و ... به تقویت فرهنگ ترکی بپردازد. این بنیاد، سازمانی مردم‌نهاد است که با تکیه به کمک‌های مردمی اداره می‌شود و در بوستون، واشنگتن و استانبول دفاتری برای این امر دارد. این بنیاد با تحقیق در مورد میراث فرهنگی و هنری ترکیه مانند هنر، ادبیات، هنرهای سنتی، سینما و تئاتر تلاش دارد هم از فرهنگ ترکیه محافظت کند و هم دانش ترک‌ها و سایر ملل در مورد میراث فرهنگی ترکیه را افزایش دهد.

۳-۴-۵. مؤسسه فرهنگی کوثر (شیعیان ترکیه)

مؤسسه کوثر اولین مؤسسه رسمی شیعیان ترکیه است که از سال ۱۹۹۲ فعالیت خود را در زمینه علمی - فرهنگی آغاز کرده است. از جمله فعالیت‌های عمده این مؤسسه چاپ کتاب و مجله به زبان ترکی است که در این راستا می‌توان به ترجمه آثار شهید مطهری (رحمته‌الله)، امام خمینی (رحمته‌الله) و تفسیر المیزان اشاره کرد. مؤسسه کوثر با مدیریت یک گروه ۱۲ نفره فعالیت می‌کند و دفتر اصلی این مؤسسه در استانبول قرار دارد. این مؤسسه در شهرهای دیگر ترکیه همچون آنتالیا، ازمیر و آنکارا نیز دارای چندین دفتر نمایندگی است. مؤسسه فرهنگی کوثر، پس از سالها پیگیری و مذاکره با افراد مختلف ترک و خارج از ترکیه در سال ۲۰۱۲ موفق شد اولین کانال تلویزیونی خبری ۱۴ (اون دورت) را تأسیس نماید. مأموریت اصلی این کانال تلویزیونی نشر اخبار روزانه از ترکیه و جهان به صورت صحیح و سریع تعریف شده است (امینی‌منش، ۱۳۹۴).

۴-۴-۵. مؤسسه بررسی‌های فرهنگ ترک

این مؤسسه در سال ۱۹۶۱ در آنکارا تأسیس شد. این مرکز بررسی و ویژگی‌های نژادی، فرهنگ عامه، لهجه‌ها و همچنین وضعیت سیاسی، تاریخی، اقتصادی، دینی، قومی و پراکندگی جغرافیایی

ترک‌ها را در گذشته و حال در برنامه مطالعاتی خود قرار داده است. از جمله مجله‌های این مؤسسه ماهنامه فرهنگ ترک و نشریه بررسی‌های فرهنگ ترکی است.

۵-۵. ارتباطات فرهنگی ترکیه در عرصه فراملی

مهمترین هدف ترک‌ها در عرصه بین‌الملل ارتقای تصویر فرهنگی خود در خارج از این کشور و جهانی‌سازی فرهنگ و شخصیت‌های فرهنگی خود است. روابط بین فرهنگی ترک‌ها از سیستمی یکپارچه برخوردار است و با برنامه‌ریزی در حال گسترش است. به بیان دیگر در ورای روابط بین فرهنگی با سایر حوزه‌های فرهنگی و تمدنی سیاست جذب به فرهنگ ترکی و تمدن اسلامی ترکی وجود دارد. از این رو شاهدیم که خانه‌های فرهنگ، مؤسسات آموزشی بین‌المللی و... مختلفی وجود دارند که توسط ترک‌ها در کشورهای مختلف به منظور ترویج فرهنگ ترکی تأسیس شده‌اند. اساس کار فرهنگی ترکیه در بعد بین‌الملل، ایجاد ارتباط با حوزه‌هایی است که از مشترکات زبانی، فرهنگی و تاریخی با ترکیه برخوردارند مانند قفقاز. علاوه بر این ترکیه توانسته است در بخش توریسم و گردشگری از کارنامه مقبولی برخوردار شود. ترکیه در بین ۱۰ کشور اول جهان در بخش گردشگری قرار دارد و این امر نشان از کامیابی این کشور در معرفی آثار فرهنگی خود به سایر نقاط جهان دارد. در مجموع می‌توان گفت، برمبنای مبانی سیاست‌گذاری فرهنگی ترک‌ها که از سه عنصر ملی، دینی و غربی ساخته شده است، در سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی نیز این فاکتورها مراعات می‌شود. به این معنا که در یک بخش بر ناسیونالیسم برمبنای زبان مشترک ترکی تکیه می‌کنند، و پس از آن در حوزه‌هایی که این قابلیت وجود ندارد از مذهب مشترک به‌عنوان عامل برقرار ارتباطات فرهنگی بهره می‌برند.

۵-۶. اهداف کلان فرهنگی ترکیه

امروزه ترک‌ها برای خود رسالتی فراملی قائل هستند. مهمترین هدف ترک‌ها جهانی‌سازی فرهنگ خود است و بر این باورند که اساساً بهترین فرهنگ برای ساخت یک تمدن اسلامی، فرهنگ ترکی است. در درون این چشم‌انداز فرهنگی کشور ترکیه، جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی دیده می‌شود. در این تفسیر، در ظرف معرفتی «انسان ترکیه‌ای» سه عنصر هویتی یعنی مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اوراسیایی و شهروند اروپایی بودن

با یکدیگر پیوند منطقی و معناداری برقرار می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت سه هدف کلان پیش‌روی نظام فرهنگی ترکیه قرار دارد:

۱. ایفای نقش رهبری در جامعه ملت‌های ترک تبار،
۲. ارائه یک «مدل ترکیه‌ای» به‌عنوان راه‌حل مسائل فرهنگی به کشورهای منطقه و نهایتاً هم‌تسری این الگو به کل جهان اسلام،
۳. حفاظت و توسعه فرهنگ ملی.

۵-۷. اصول سیاست‌گذاری فرهنگی در ترکیه

در راستای اهداف پیش‌گفته، اصول کلی سیاست‌گذاری فرهنگی در ترکیه که توسط بسیاری از نهادهای اجرایی فرهنگی پیگیری می‌شود به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱. پذیرش تحمل و تنوع فرهنگی و ایجاد همگرایی و تفاهم فرهنگی در حوزه داخلی؛
۲. گسترش تبادل فرهنگی در عرصه خارجی (شناخت سایر فرهنگ‌های جهانی و ایجاد ارتباط مؤثر و مثبت با این فرهنگ‌ها)؛
۳. تأثیرگذاری فرهنگی بر حوزه‌هایی که به لحاظ فرهنگی و زبانی از اشتراکات با ترکیه برخوردارند مانند منطقه آسیای میانه.

۵-۸. ابزارهای سیاستی برای اجرای سیاست‌های فرهنگی در ترکیه

در نظام سیاست‌گذاری ترکیه نیز، به‌جز ابزارها و شیوه‌های مرسوم در اجرای سیاست‌ها مانند مقررات‌گذاری در حوزه فرهنگ، مدیریت توزیع و تخصیص بودجه در حوزه فرهنگ و نیز پرداخت تسهیلات در حوزه فرهنگ و چند شیوه مشخص نیز مورد تأکید است که عبارتند از:

۱. حمایت از مهاجرت‌های فرهنگی و ترویجی،
- تأسیس مؤسسات متعدد- که تقریباً به ۱۰۰۰ مؤسسه فرهنگی و آموزشی می‌رسد- در خارج از ترکیه نشان‌دهنده نگاه خاص ترک‌ها به مقوله تبادل فرهنگی است.
۲. گسترش جذب توریست،
۳. تأسیس مؤسسات فرهنگی، آموزشی و فعالیت‌های تبلیغی.

۶. توصیف مؤلفه‌های نظام سیاست‌گذاری کشور مصر^۱

۶-۱. رویکرد به فرهنگ در نظام سیاست‌گذاری مصر

در اواسط دهه هفتاد، مفهوم فرهنگ در مصر به اقتصاد و باطبع به تعدادی از صنایع فرهنگی (مانند موزه‌ها، صنعت تئاتر و صنایع دستی از جمله منسوجات، فرش، سفال، سرامیک و شیشه و فلز صنایع دستی و غیره) ناظر بوده است. این نگاه را می‌توان ناشی از رویکرد تمدنی به فرهنگ دانست. چون این هنرها و صنایع نشان‌دهنده هویت، تاریخ و مفاهیم فرهنگی مردم است. اکنون تعریف ملی از فرهنگ در مصر را می‌توان به هویت دینی مرتبط دانست. شواهد معرف بنیان‌های فکری، معرفتی مصر حکایت از رویکرد تمدنی و قوم‌گرایانه نظام سیاست‌گذاری مصر به امر فرهنگ دارد. مؤلفه‌های کلیدی این رویکرد عبارتند از:

الف) اندیشه باستانی: در طول تاریخ، مصر شاهد تمدن‌های مختلف از جمله مهد تمدن فراعنه، شکل‌دهنده تمدن روم - یونان، چراغ تمدن قبطی و مدافع تمدن اسلامی بود. تمدن باستانی مصر همواره به‌عنوان یکی از شاخصه‌ها و نمادهای معرفی این کشور در عرصه جهانی شناخته می‌شود.^۲

ب) دین سکولار: اگرچه دولتمردان این کشور تظاهر به اسلام می‌کنند؛ اما مخالف همراهی دین با سیاست و حکومت هستند. دولت و حزب دموکرات ملی، مخالف برقراری حکومت اسلامی بر اساس شریعت در مصر است؛ در حالی که دیگر سازمان‌های مذهبی برای اجرای برنامه‌های خود از آزادی کامل برخوردار بودند؛ اما حزب دموکرات ملی، با اعمال سخت به مبارزه با مسلمانان می‌پردازد.

ج) تأکید بر عروبيت: اعراب، امروزه بخش اعظم جمعیت مصر را تشکیل می‌دهند. انگاره‌های قومی و فرهنگی اعراب مصر چندان تفاوتی با همتایانشان در سایر کشورهای عربی ندارد. آنان بیشتر، مسلمان و سنی مذهب هستند و نسبت به سنت‌های قومی عرب نیز تعصب زیادی دارند. به همین سبب، تدوین‌کنندگان قانون اساسی این کشور در بیانیه آغازین این قانون، درباره اهمیت

۱. با توجه به تحولات سال‌های اخیر در مصر، مطالب این بخش با نگاه به گذشته این کشور است و برآورد دقیقی از وضعیت ثبات آینده آن نمی‌توان داشت.

۲. به نقل از: <http://www.sis.gov.eg/year2003/html/history.htm>

وحدت قومی عرب نوشته‌اند: «ما ملت عرب یقین داریم، وحدت اعراب ندای تاریخ، آینده و سرنوشت اجتناب‌ناپذیری است که تنها می‌تواند از طریق ملت عرب جامه عمل بپوشد و قادر به رفع هرگونه تهدیدی باشد.»^۱

با وجود محوریت عربیت، سوابق تاریخی نشان می‌دهد که مسلمانان با دیگر مذاهب و به‌خصوص قبطی‌ها در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته و به حقوق یکدیگر احترام گذاشته‌اند.

۶-۲. عرصه‌های فرهنگی در نظام سیاست‌گذاری مصر

فرهنگ در مصر، گستره به‌نسبت وسیعی را در بردارد. عرصه‌های فرهنگی مصر شامل این محورهاست: آثار باستانی و تاریخی، امور مذهبی، ادبیات و فرهنگ عامه، امور خانواده، باورها و مسلک‌ها، مناسبت‌های ملی مذهبی، موسیقی، تئاتر، سینما، صنایع دستی، معماری، آموزش و پرورش، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، اینترنت، ماهوره، کتاب و کتاب‌خوانی، نمایشگاه‌ها و موزه‌ها.

۶-۳. نهادهای فرهنگی حاکمیتی در مصر

نهادهای حاکمیتی دارای مأموریت فرهنگی در مصر نیز متنوع و متکثر است. معرفی اجمالی وزارتخانه‌های حوزه فرهنگ بدین شرح است:

۶-۳-۱. وزارت فرهنگ

با توجه به تاریخچه مصر و ضرورت حفظ و معرفی قابلیت‌ها و میراث معنوی این کشور، وزارت فرهنگ مصر، مأموریت «حفظ و ترویج فرهنگ مصر» را بر عهده دارد و سه حوزه اصلی آن عبارتند از:

۱. شورای عالی فرهنگ،

۲. سازمان عمومی اماکن فرهنگی،

۳. دارالکتب.

تعیین چشم‌انداز کلی و تدوین برنامه‌های کاربردی، توسعه پایگاه‌های فرهنگی در سراسر کشور، تعامل با فرهنگ‌های جهان از طریق تبادل فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت فعال در رویدادهای بین‌المللی و ترویج کتاب و کتابخوانی از مهم‌ترین وظایف این وزارتخانه است.

۲-۳-۶. وزارت جهانگردی

مصر از نظر امکانات سیاحتی و آثار تاریخی یکی از کشورهای طراز اول دنیا است از این رو توسعه صنعت گردشگری، در راستای منافع ملی مورد توجه مسئولان این کشور بوده است. در این چهارچوب، اهم وظایف وزارت گردشگری مصر عبارتند از: تدوین و صدور قوانین لازم برای توسعه گردشگری، جذب سرمایه‌گذار به حوزه گردشگری و انجام تحقیقات و مطالعات در حوزه گردشگری.

۳-۳-۶. وزارت امور جوانان

با توجه به اهمیت و نقش جوانان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، کشور مصر، اعتلاء و گسترش این نقش را از طریق وزارت امور جوانان دنبال می‌کند. از این رو وظایفی از قبیل قانون‌گذاری پیرامون امور جوانان، توسعه مراکز جوانان، اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها در مراکز جوانان، آموزش و استخدام جوانان، راه‌اندازی کانون‌های اشتغال و کار و همچنین ساماندهی پروژه کار فشرده برای جوانان در کنار مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر و برنامه‌های آموزش و پرورش مدنی بر عهده وزارت امور جوانان مصر است.

۴-۳-۶. وزارت اوقاف

تعداد قابل توجهی از مساجد مصر، مساجد دولتی هستند.^۱ دولت از طریق نهاد رسمی خود یعنی وزارت اوقاف، به دنبال هماهنگ کردن فعالیت‌های مذهبی و سیاست‌های خود، توسط اشخاصی است که به عنوان امام جماعت در این مساجد انتخاب می‌شوند. وزارت اوقاف و الازهر، بررسی کتب مذهبی، نظارت بر مجامع، سمینارهای اسلامی، کنترل نظام آموزشی و آموزش‌های مذهبی در مدارس غیردولتی، انجام پژوهش‌های اسلامی و قرآنی، ارائه آموزش‌های تبلیغی مذهبی به افراد مختلف، انتشار کتاب و نشریات مذهبی، بررسی فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری و تطبیق با ارزش‌های اسلامی، برگزاری مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن و تحقیق در زمینه وضعیت زندگی و مسائل مسلمانان را زیر نظر دارند (رضادوست، ۱۳۸۵).

۴-۶. نقش‌ها و نهادهای فرهنگی غیرحاکمیتی در مصر

به نظر می‌رسد، تنوع و تعدد دستگاه‌های دولتی مصر در عرصه فرهنگ، باور جدی به نقش آفرینی بخش غیرحاکمیتی را کم‌رنگ کرده باشد. از این رو، شاید بتوان گفت حتی مؤسسات و

۱. بیش از ۱۷۰ هزار مسجد در مصر وجود دارد که حدود ۳۰ هزار مسجد، دولتی محسوب می‌شود.

نهادهای غیرحاکمیتی نیز به‌نوعی رنگ و بوی حاکمیتی به‌خود گرفته‌اند. برخی از این نهادها و مؤسسات عبارتند از:

۱-۴-۶. دانشگاه الازهر

الازهر را می‌توان مهم‌ترین و مؤثرترین نهاد خارج از ساختار دولتی مصر به‌ویژه در نقطه تماس میان دین و فرهنگ دانست. این دانشگاه از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مراکز آموزش عالی در مصر است که هدف آن در ابتدای تأسیس، نشر و تبلیغ شیعه اسماعیلی در زمان فاطمیون بود؛ ولی هم‌اکنون کار اصلی این دانشگاه در مصر نظارت بر دروس و آموزش‌های مذهبی است. دانشجویان علوم دینی از کشورهای اسلامی به‌صورت بورسیه در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند. نقش دیگر این دانشگاه، حفظ اسلام و نشر دعوت اسلامی است. از جمله وظایف الازهر تربیت و آماده‌سازی مبلغان و مروجان دینی برای تبلیغات دینی است. مهم‌ترین اهداف الازهر به‌شرح زیر معرفی شده است: (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۵)

۱. محافظت از شریعت اسلامی و اصول و فروع آن و حفظ زبان عربی و نشر آن،

۲. تربیت دانشمندانی برای آموزش علوم دینی،

۳. نظارت بر نشر قرآن کریم و نیز نظارت بر نشر و انتشارات کتب و منشورات برای عدم مخالفت با تعالیم و آداب اسلامی.

۲-۴-۶. کتابخانه اسکندریه

کتابخانه اسکندریه یکی از مهم‌ترین بناهای فرهنگی مصر است. این کتابخانه می‌خواهد که دروازه مصر به‌سوی جهان و پنجره جهان به‌سوی مصر باشد.

۳-۴-۶. مرکز خلاقیت اسکندریه

این مکان یک کاخ سلطنتی است که در دهه ۱۹۶۰ به یک مرکز خلاقیت تبدیل شده است. به‌تازگی این مرکز ارتقا یافته و به شکل جدیدی تبدیل شده است که شامل تئاتر، نمایشگاه‌های هنری کوچک و بزرگ، کتابخانه، سالن فناوری اطلاعات (IT)، سینما، کتابخانه و سالن موسیقی است. این مکان در واقع مرکزی برای پرورش و بالا بردن سطح استعدادها و تحقیقات هنری، حمایت و راهنمایی توانایی‌های مختلف هنری است.

۶۵. ارتباطات فرهنگی مصر در عرصه فراملی

موقعیت ممتاز جغرافیایی مصر همیشه عاملی برای تعامل فرهنگی با کشورهای دیگر بوده است. مصر به عنوان مقر اتحادیه عرب همواره به دنبال ارتقای فعالیت‌های فرهنگی مشترک عربی بوده است؛ از این رو تهیه یک چشم‌انداز مشترک برای تقویت روابط فرهنگی با کشورهای جهان عرب همواره مورد نظر دولت مردان مصر بوده است. در عرصه فرامنطقه‌ای نیز مصر همواره از عامل فرهنگ و ارتباطات فرهنگی به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی استفاده کرده است.

۶۶. اهداف کلان فرهنگی مصر

با توجه به اینکه در مصر توسعه فرهنگی به منزله یک عنصر در توسعه انسانی مورد نظر است، بنابراین اهداف کلان زیر دنبال می‌شود:

۱. حفظ میراث فرهنگی و آزادسازی ظرفیت نوآوران در تمام زمینه‌های هنر، ادبیات و علوم از طریق تولید دانش برای همه مردم،
۲. تصحیح تصورات نسبت به سکولاریسم.

۶۷. اصول سیاست‌گذاری فرهنگی در مصر

پیشینه سیاست‌های فرهنگی مصر گویای آن است که این سیاست‌ها مبتنی بر نوعی تمرکزگرایی و مداخله حداکثری دولتی بوده است. این الگو تحت تأثیر سیستم اقتصادی سوسیالیستی دهه شصت میلادی بود. در اواسط دهه هفتاد، نظام اقتصادی در مصر به سمت آزادسازی بازار تغییر کرد، بنابراین سطح یارانه عمومی به فرهنگ عامه، تئاتر و سینما کاهش یافت. براساس اصول نئولیبرالی که اولویت را به سرمایه و سود می‌داد، بخش عمده‌ای از یارانه‌ها به آثار باستانی، برای توسعه گردشگری اختصاص یافت. کاهش نقش دولت در ارائه خدمات فرهنگی، به دخالت نهادهای جامعه مدنی در گسترش برخی از صنایع فرهنگی از قبیل هنر مردمی و محصولات صنایع دستی منجر شد. برخی از مؤسسات نیز علاقه‌مند به ایجاد یک فضای فرهنگی در جامعه مصر از طریق اجرای کنسرت به وسیله گروه‌های معروف مصری و بین‌المللی، سازماندهی سمینارها و حمایت و یا برگزاری مسابقات برای نوآوری در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی بودند. دولت مصر اقدامات فرهنگی خود را با توسعه سیاست فرهنگی براساس سازماندهی و هدایت

فعالیت‌های فرهنگی، مطابق با ارزش‌های اجتماعی مورد اجماع ملی، برای رسیدن به ثبات، صلح و توسعه، دنبال می‌کند. بنابراین اصول زیر را مورد نظر دارد:

۱. تأکید بر توسعه و مبارزه با فقر،
۲. ظرفیت‌سازی و تقویت روش‌های همکاری در زمینه تولید دانش جدید و نوآوری‌های تکنولوژیک،
۳. حمایت از گفتگوی بین فرهنگی به منظور یکپارچه‌سازی فرهنگی،
۴. پشتیبانی از جوانان و زنان^۱

۶.۸. ابزارهای سیاستی برای اجرای سیاست‌های فرهنگی در مصر

۱. اهم ابزارهای سیاستی برای اجرایی‌سازی اصول و سیاست‌های فرهنگی مصر عبارتند از:
۲. ایجاد و تأمین مالی زیرساخت‌های فرهنگی،
۳. تأمین سخت‌افزارهای لازم برای عمل،
۴. تمهید و تدوین مقررات مناسب برای بالا بردن خلاقیت ادبی، هنری و فرهنگی،
۵. تضمین آزادی و تأکید بر دموکراسی در زندگی فرهنگی در تمام سطوح.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عرصه فرهنگی از جمله حوزه‌های خطیر و حساس در نظام‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری کشورهای جهان محسوب می‌شود. اگرچه مطالعات در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، اندکی متأخر از سایر حوزه‌های اجتماعی مورد توجه نظام‌های حاکمیتی بوده است؛ اما امروزه بی‌توجهی یا کم‌توجهی به این حوزه به هیچ‌وجه مقبول نیست. البته در این میان رویکردها و نگاه‌های متفاوتی به نحوه حضور بخش‌های حاکمیتی و غیرحاکمیتی در عرصه فرهنگی وجود دارد. در این تحقیق تلاش شد الگوی سیاست‌گذاری دو کشور اسلامی مصر و ترکیه در قالب یک چهارچوب مفهومی (از سه منظر و هشت مؤلفه) مورد بررسی قرار گیرد و وجوه تمایز و تشابه این الگوها با یکدیگر شناخته شود.

مهمترین نتایج به‌دست آمده از این مقاله براساس چهارچوب مفهومی ارائه شده به‌شرح زیر است:

1. <http://www.worldcp.org/egypt.php>.

۷-۱. منظر اول: گستره و ارکان حاکمیت در عرصه فرهنگ

۷-۱-۱. رویکرد به فرهنگ در نظام سیاست گذاری فرهنگی

منابع و اسناد حوزه فرهنگی کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد، دو کشور مصر و ترکیه، تلاش کرده‌اند نوع نگاه خود به حوزه فرهنگی شان را براساس اصول و ارزش‌های ملی و حاکمیتی شان مشخص و معرفی کنند. این رویکرد را به نوعی باید «نظریه سیاستی پایه» برای نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها نامید که رویکردی غیر از نظام اهداف فرهنگی کشورهاست. این رویکرد پایه، موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها را تعریف و تدقیق می‌کند. در یک جمع‌بندی کلی، موضوع نظام سیاست‌گذاری مبتنی بر رویکردهای متفاوت به فرهنگ از جمله این موارد است:

موضوع کلان نظام سیاست‌گذاری فرهنگی	ناشی از رویکرد
بهبود و ارتقای شیوه زندگی فردی و اجتماعی	فرهنگ به‌مثابه الگوی تمدنی و زیست‌اجتماعی
توسعه آفرینش‌های هنری	فرهنگ به‌مثابه خلاقیت‌های زیبایی‌شناختی
حفظ و ترویج میراث فرهنگی	فرهنگ به‌مثابه میراث گذشتگان
گسترش تولید و مصرف کالاهای فرهنگی	فرهنگ به‌مثابه کالای مصرفی (اقتصادی)
بهبود و گسترش ارتباطات فردی و اجتماعی	فرهنگ به‌مثابه (پیامد) اشتراک ظرفیت‌های انسانی
زمینه‌سازی توسعه و پیشرفت	فرهنگ به‌مثابه ایدئولوژی توسعه

نظام سیاست‌گذاری کشورهای مورد بررسی، اغلب ترکیبی از رویکردها و موضوعات مذکور را در کانون توجه قرار داده‌اند.

۷-۱-۲. عرصه‌های تحت پوشش نظام سیاست‌گذاری فرهنگی

با مطالعه اسناد و مدارک گردآوری شده، موضوعاتی که در کانون توجه سیاست‌گذاری فرهنگی

کشورها قرار داشت به شرح جدول زیر استخراج گردید:

جدول (۲): عرصه‌های فرهنگی مورد توجه در سیاست‌گذاری ترکیه و مصر

مصر	ترکیه	
*	*	صیانت و گسترش هنر و ادبیات
*	*	امور خانواده و سبک زندگی
*		توسعه صنایع فرهنگی
*	*	حفاظت و ترویج میراث فرهنگی
*	*	مدیریت امور دینی
*		کنترل و گسترش رسانه‌ها و مطبوعات
*		بهبود و گسترش آموزش و پرورش
	*	گسترش ارتباطات میان فرهنگی

۳-۱-۷. نهادهای حاکمیتی سیاست‌گذاری فرهنگی

بخشی از تشکیلات دولتی کشورها، به رسالت حاکمیت در حوزه فرهنگ اختصاص یافته است. اگر وزارتخانه‌ها را عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و اجرا در حوزه‌های مختلف بدانیم، در کشورهای مصر و ترکیه چند وزارتخانه (یا نهادی هم‌تراز) در بالاترین سطح، مداخله حاکمیتی به حوزه فرهنگ دارند. عنوان و حوزه مأموریتی نهادهای مذکور به تناسب رویکرد کشورها به حوزه فرهنگ متفاوت است. علاوه بر این، مشخصاً یک نهاد به مسائل و فعالیت‌های دینی می‌پردازد. تصویر کلی نهادهای حاکمیتی کشورهای مورد بررسی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳): تصویر کلی نهادهای حاکمیتی ترکیه و مصر

کشور	وزارتخانه یا نهاد حاکمیتی اصلی	سایر سازمانها یا نهادها
ترکیه	۱. وزارت فرهنگ و گردشگری ۲. ریاست امور مذهبی (سازمان دیانت)	۳. مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک ۴. وزارت توسعه
مصر	۱. وزارت فرهنگ ۲. وزارت جهانگردی ۳. وزارت اوقاف ۴. وزارت امور جوانان	

۷-۲. منظر دوم: نسبت حاکمیت با بخش‌های غیر حاکمیتی

۷-۲-۱. نقش‌ها و نهادهای فرهنگی غیر حاکمیتی

تقریباً هیچ دولت یا حاکمیتی در اصل این مطلب که نظام سیاست‌گذاری بدون حضور و نقش‌آفرینی نهادهای غیرحاکمیتی ناقص و ناکارآمد است، تردید ندارد. بحث اصلی در نحوه ساماندهی و گسترش این نهادهاست. با توجه به بررسی‌های انجام شده چند مطلب در این بخش قابل ذکر است:

۷-۲-۱-۱. حضور و نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در حوزه فرهنگ از حرف تا عمل

به نظر می‌رسد الگوی مشارکت‌خواهی و شکل‌دهی به نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در حوزه فرهنگ در حال متحول شدن است. آنچه غالباً مرسوم بوده و هنوز هم در خیلی از کشورها وجود دارد، حضور بخش غیردولتی، صورت مستتری از نقش‌آفرینی دولتی است. اگرچه زمینه‌های تاریخی حضور مردمی در حوزه دین و فرهنگ در کشورهای اسلامی پیشینه قابل توجهی دارد؛ اما گویا در شرایط تقابل سنت و مدرنیته، بخشی از این الگوها، رنگ باخته و امروز حاکمیت در کشورهای اسلامی این‌گونه مشارکت‌های غیردولتی در حوزه فرهنگ را به میزان حداقلی کاهش داده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که برخی جریان‌های غیردولتی خودجوش (و نه برآمده از درون حاکمیت) در کشورهای اسلامی، الگوهای قابل مطالعه و تکثیری را در معرض دید قرار داده است که الگوی مؤسسه «گولن» از آن جمله است.

۷-۲-۱-۲. ضرورت‌های حضور بخش غیردولتی در حوزه فرهنگ

ضرورت‌های حضور و نقش‌آفرینی بخش غیردولتی در عرصه فرهنگ را می‌توان از چند منظر مورد توجه قرار داد:

۱. چنانچه فرهنگ به‌مثابه امر اشتراک ظرفیت‌های انسانی قلمداد شود، این امر، جز با حضور مستقیم و فراگیر مردمی میسر نخواهد بود.
۲. گسیل ظرفیت‌های مالی مردمی به حوزه فرهنگ (چه از حیث منابع خیریه و چه از حیث سرمایه‌گذاری در صنایع فرهنگی) علاوه بر ترمیم خلأ منابع مالی حوزه فرهنگ، خود سبب انگیزش مضاعف اشتراک ظرفیت‌های مردمی است.

۳. دموکراسی در حوزه فرهنگ با هر دو برداشتی که از آن شده است:

(الف) حضور آزادانه مردم در فعالیتهای فرهنگی و

(ب) فراهم ساختن دسترسی فراگیر به فعالیتهای و کالاهای فرهنگی، به‌جز از طریق حضور

فعالانه بخش غیردولتی میسر نخواهد بود.

۷-۳. منظر سوم: اصول و قواعد اعمال حاکمیت

۷-۳-۱. اهداف کلان در نظام‌های سیاست‌گذاری

این تحقیق در بررسی اهداف کلان به‌دنبال شناخت اهداف محتوایی و موضوعی عرصه فرهنگی کشورها نبود؛ بلکه درصدد بود تا اهداف سیستمی نظام سیاست‌گذاری کشورها را شناسایی کند. اگرچه تمایز این دو مقوله بسیار دشوار است. به‌عبارت دیگر، مراد از این مفهوم این بوده است که بدانیم، نظام‌های سیاست‌گذاری مورد بررسی فعال در چه موقعیتی هستند. با این توصیف، بیانیه اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها در جدول زیر مرور می‌شود:

جدول (۴): بیانیه اهداف کلان نظام سیاست‌گذاری فرهنگی

کشور	بیانیه اهداف کلان نظام سیاست‌گذاری فرهنگی
ترکیه	- ایفای نقش رهبری در جامعه ملت‌های ترک تبار - ارائه یک «مدل ترکیه‌ای» به‌عنوان راه‌حل مسائل فرهنگی به کشورهای منطقه و در نهایت تسری این الگو به سراسر جهان اسلام - حفاظت و توسعه فرهنگ ملی
مصر	حفظ میراث فرهنگی و آزادسازی ظرفیت نوآوران در تمام زمینه‌های هنر ادبیات و علوم از طریق تولید دانش برای همه مردم تصحیح تصورات نسبت به سکولاریسم

در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بر مبنای این که فرهنگ امری اصلی دانسته شود

یا تبعی و ابزاری، دو نوع انتظار از نظام سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد:

۱. نظام سیاست‌گذاری به‌گونه‌ای عمل کند که ظرفیتهای فرهنگی جامعه متعالی شود.

۲. نظام سیاست‌گذاری به‌گونه‌ای عمل کند که فرهنگ در خدمت توسعه جامعه قرار گیرد.

بر این اساس احتمالاً بتوان گفت، این دو هدف، دو سوی یک پیوستار را تشکیل می‌دهد در این

پیوستار، نظام سیاست‌گذاری مصر معطوف به هدف دوم تعریف شده است و نظام سیاست‌گذاری

ترکیه در میانه پیوستار و ناظر به هر دو هدف طراحی شده است.

۲-۳-۷. اصول حاکم بر سیاست گذاری فرهنگی

اصول حاکم بر سیاست گذاری فرهنگی کشورهای مورد بررسی تا حدود زیادی متأثر از دو هدف پیش گفته است. اساساً این اصول به عنوان خطوط راهنمای کلی، سیاستگذاران را در تصمیم گیری های فرهنگی یاری می رساند. بررسی اصول سیاست گذاری فرهنگی کشورهای مورد بررسی حکایت از آن دارد که این اصول در محورهای ذیل، راهنمای عمل سیاست گزاران است:

۱. شناخت مسائل فرهنگی پیش رو، مانند «حمایت از گفتگوی بین فرهنگی» یا «هنر برای ادغام فرهنگی و همبستگی اجتماعی»،

۲. یافتن راه حل برون رفت از مسائل فرهنگی؛ مانند «پذیرش تحمل و تنوع فرهنگی و ایجاد همگرایی و تفاهم فرهنگی» یا «پشتیبانی از جوانان و زنان»،

۳. تعیین چهارچوب و ابزارهای اجرای سیاست ها مانند «حمایت گری دولتی در عرصه فرهنگی» یا «تمرکززدایی فرهنگی».

۳۲

۳-۳-۷. ابزارهای اجرای سیاست های فرهنگی

اهم ابزارهای سیاستی مورد استفاده در نظام های سیاست گذاری فرهنگی کشورها را می توان این گونه طبقه بندی کرد:

۱. ابزارهای مالی؛ مانند تنظیم مقررات بودجه ای، اعطای تسهیلات و اعتبارات مالی،

۲. ابزارهای ساختاری و تشکیلاتی؛ مانند ایجاد، ادغام و تفکیک مؤسسات فرهنگی،

۳. ابزارهای حقوقی و قانونی؛ مانند معافیت ها و تشویق های مالیاتی، وضع مقررات مربوط به حقوق معنوی و ...

و ۴. ابزارهای رسانه ای مانند: اطلاع رسانی و جریان سازی های فرهنگی.

۴-۷. ارتباطات فرهنگی فراملی

تحولات ارتباطاتی و کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی از یک سو و به تبع آن ظهور ادبیات جهانی شدن، عواملی هستند که سبب شده اند تقریباً نظام های سیاست گذاری کشورها، موضوع ارتباطات میان فرهنگی را مورد توجه جدی قرار دهند. اهم نکات قابل ذکر در این محور عبارتند از:

۱-۴-۷. اهداف کلان در ارتباطات فرهنگی فراملی

- اهداف، سیاست‌ها و فعالیت‌های ناظر به این موضوع را تقریباً در دو محور کلی می‌توان توصیف کرد:
۱. استفاده از زمینه‌های فرهنگی برای دستیابی به مقاصد سیاسی، اقتصادی و امنیتی در عرصه بین‌الملل.
 ۲. استفاده از زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای گسترش ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی در عرصه بین‌الملل.

۲-۴-۷. زمینه‌های ورود و ساماندهی ارتباطات فرهنگی

همچنین باید اشاره کرد، کشورها به این منظور، از زمینه‌های زیر بهره می‌برند:

۱. مشترکات زبانی،

۲. مشترکات مذهبی،

۳. مشترکات قومی.

۳-۴-۷. تحول گفتمانی به منظور محافظت از فرهنگ خود و مقابله با هجمه‌های فرهنگی

به‌رغم چهره صلح‌جویانه موضوع ارتباطات فرهنگی در عرصه بین‌الملل، به مرور این ادبیات اغلب کشورها را نگران کرد. شاید بتوان گفت، در این تقابل، آمریکا و فرهنگ آمریکایی در قامت مهاجم ظاهر شدند و در مقابل کشورهای اروپایی با محوریت فرانسه راهبرد تدافعی به‌خود گرفتند. در ادامه این جریان هم به‌تبع کشورهای آسیایی و جهان سوم به قربانیان اصلی این مواجهه شناخته شدند. در مجموع این روند در قالب سه گفتمان مطرح قابل توصیف است:

۱. گفتمان جهانی شدن فرهنگ مشابه جهانی شدن اقتصاد،

۲. گفتمان تمایز فرهنگی،

۳. گفتمان تنوع فرهنگی

۴-۴-۷. اقتصاد مبتنی بر کالاها و صنایع فرهنگی در گستره بین‌المللی (فرصت یا تهدید)

امروز، بازار کالاها و صنایع فرهنگی، صنایعی همچون توریسم، فیلم‌سازی، موسیقی، رسانه، اسباب‌بازی و بازی‌های رایانه در حکم تیغ دولبه هستند و این مسئله‌ای بسیار مهم در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورها است.

منابع

۱. ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۰)، *نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
 ۲. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران: انجمن جامعه‌شناسان.
 ۳. امینی منش، محمدجواد (۱۳۹۴)، *جمهوری ترکیه، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*.
 ۴. تقی‌پور، سحر (۱۳۹۳)، *نشست چالش‌های گفتمان سکولاریسم در ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه*.
 ۵. دلبری‌پور، اصغر (۱۳۹۰)، *جریان‌های فکری فرهنگی ترکیه تحولات روندها و موقعیت*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.
 ۶. رضادوست، کریم (۱۳۸۵)، *مردم‌سالاری در مصر؛ چالش‌ها، موانع و محدودیت‌ها*، *دانش سیاسی*، شماره چهارم، ص ۱۱۹-۱۳۹.
 ۷. صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، *توسعه فرهنگی و ساختار فرهنگی ایران*، راهبرد، شماره ۴۲ ص ۶۵-۴۱.
 ۸. فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۳)، *آشنایی با کشورهای اسلامی، جمهوری عربی مصر*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
 ۹. گزارش آموزش و فرهنگ اروپا (۲۰۰۵)، *جمهوری ترکیه*.
 ۱۰. نوروزی، رسول (۱۳۹۲)، *فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر، پژوهش‌های منطقه‌ای*، شماره ۲ ص ۱۶.
 ۱۱. ویلیامز، مارک (۱۳۷۹)، *بازاندیشی در مفهوم حاکمیت*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶، ص ۱۴۱-۱۳۲.
 12. www.sis.gov.eg/year2003/html/history.htm.
 13. www.memory.loc.gov/grd/sc/egtoc/html
 14. www.ankara.icro.ir
- پی‌نوشت: اگرچه ضعف پیشینه تحقیق و نیز فقر منابع علمی معتبر به زبان فارسی، کار را قدری مشکل و زمان‌بر کرد، اما به فضل خدا و همکاری گروهی از محققان مقاله آماده شد. لازم است از زحمات و تلاش‌های محققان گرامی آقایان دکتر رسول نوروزی و حمزه نجاتی آرانی تشکر و قدردانی شود.